

# مفهوم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در قانون اساسی ایران

## سید علی ادیانی

اخیرا در استمرار شبهه افکنی‌های مسبوق به سابقه در خصوص موضوع تنفیذ حکم ریاست جمهوری مطالبی در برخی رسانه‌های داخلی و خارجی مطرح شد که در سطور ذیل به‌طور مجمل در تبیین مساله صدرالاشاره مطالبی تقریر می‌گردد. برابر بند (۹) اصل (۱۱۰) قانون اساسی یکی از اختیارات رهبر، امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم است. در خصوص تنفیذ حکم ریاست جمهوری در میان نحله‌های فکری و جریان‌های سیاسی دو دیدگاه وجود دارد:

الف) برخی از افراد و جریان‌های فکری، مقوله تنفیذ را در حد يك امر «تشریفات» تنزل داده و معتقدند که امضای حکم ریاست جمهوری و انجام مراسم تنفیذ جزو وظایف رهبری است و پس از انتخاب رئیس‌جمهور، رهبری ملزم به امضای حکم رئیس‌جمهور است و مقام رهبری نمی‌تواند امضای حکم رئیس‌جمهور را تأخیر، تعلیق و با تعطیل نماید. برخی از افراد و با جمعی از اشخاص منتسب به جریان اصلاحات و تعدادی از گروه‌های سیاسی اصلاح طلب برابر اسناد و مدارک موجود و مطابق اظهارات مطروحه جزو کسانی هستند که موضوع تنفیذ را «تشریفات» می‌پندارند.

ب) برخی از اشخاص و گروه‌های سیاسی با توجه به مبانی نظری نظام سیاسی و حکومتی در اسلام و پایبندی به مشرب فکری نظام سیاسی اسلام با ابتناء به ولایت امر و امامت امت، بر این باورند که امر تنفیذ نه تنها جنبه صوری و تشریفات ندارد بلکه مشروعیت رئیس‌جمهور و قوه مجریه و نافذ بودن رأی ملت منوط به امضای حکم رئیس‌جمهور توسط مقام رهبری است و اساسا رئیس‌جمهور منتخب بدون تنفیذ حکم، ریاستی بر قوه مجریه نخواهد داشت. معتقدان به این مشرب و ممشای فکری به ادله و براهینی تمسک می‌جویند از جمله:

- ۱- روایات و احادیث مرتبط با شؤون حاکم اسلامی و مبسوط‌الید بودن حاکم اسلامی در امر حکومت.
- ۲- اندیشه سیاسی - حکومتی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی در این خصوص.
- ۳- با امعان نظر به بار حقوقی - فقهی و مستند به متن مندرج در

تنفيذ نامه‌هاي احكام رياست‌جمهوري بعد از انقلاب توسط امام(ره) و مقام رهبري، بالاخص با تأکيد بر «انتصاب رييس‌جمهور توسط رهبر انقلاب به سمت رياست‌جمهوري پس از انتخاب توسط مردم» در اين مورد و در تشریح موضوع مندرج در اين بند نکاتي به اجمال بيان مي‌گردد:

الف) مقبوليت رييس‌جمهور با رأي مردم و مشروعيت او با تنفيذ حکم رييس‌جمهور توسط مقام رهبري صورت مي‌پذيرد.

ب) بدون تنفيذ حکم رياست‌جمهوري قوه مجريه فاقد مشروعيت است و امر و نهي مديران در اين قوه لازم‌الاتباع نخواهد بود.

ج) امام(ره) و مقام رهبري در متن تمام احكام تنفيذي به همه روساي جمهور مشترکا بر يك نکته تأکيد فرمودند و آن اينکه «انتصاب رييس‌جمهور جزو اختيار فقيه حاکم است و انتخاب رييس‌جمهور جزو اختيارات مردم» و اين دو امر لازم و ملزوم يکديگر بوده و نسبت تباني، تناقض يا تضاد بر اين دو موضوع حاکم نيست به عنوان مثال:

امام(ره) در تنفيذ حکم آقاي بنيصدر تصريحاً مرقوم فرمود «بر اساس آنکه مشروعيت آن (رياست‌جمهوري) بايد به نصب فقيه جامع‌الشرايط باشد، اينجانب به موجب اين حکم رأي ملت را تنفيذ و ايشان را به اين سمت منصوب نمودم.»

و مشابه اين مساله مقام معظم رهبري در تنفيذ حکم مرحوم آقاي رفسنجاني در سال ۶۸ مرقوم فرمودند که:

«اينجانب... به پيروي از ملت عظيم‌الشان... رأي ملت را تنفيذ و ايشان را (هاشمي‌رفسنجاني) به رياست‌جمهوري اسلامي ايران منصوب مي‌کنم.»

د) با عنایت به تأکید امامين انقلاب بر کلمه «نصب» و «منصوب» در مورد رييس‌جمهور در متون تنفيذ احکام، به وضوح مي‌توان دريافت که امر تنفيذ در قانون اساسي يك موضوع تشريفاتي نبوده بلکه رکني از ارکان استقرار رييس‌جمهور بر قوه مجريه در کنار رأي موثر مردم است.

ه) با توجه به مراتب فوق‌البيان و با مذاقه عالمانه به مفاد مندرج در اصول پنجم، هفتاد و پنجم، یکصد و ده و ديگر اصول متناظر با آن در قانون اساسي، امضاي حکم رييس‌جمهور و تنفيذ حکم توسط مقام رهبري انقلاب اسلامي يك امر شرعي و فقهي است و يکي از مصاديق اختيارات رهبري در حقوق اساسي نظام سياسي جمهوري اسلامي ايران قلمداد مي‌گردد.

و) تنفيذ حکم رييس‌جمهور توسط رهبري و رأي مردم در انتخاب رييس‌جمهور هر دو اصالت دارند. تنفيذ و رأي مردم به منزله يك سکه‌اي است که دو وجه دارد و تفکيک‌پنداري اين دو وجه امري محال و مغاير با مردم‌سالاري ديني است. دوگانه‌نگاري و دوقطبي‌سازي تنفيذ

حکم توسط رهبري و انتخاب رییس‌جمهور توسط مردم با مباني فکري نظام سياسي در اسلام و با محکمت و شاخصه‌هاي فکري امامين انقلاب مغايرت آشکار دارد. رأی مردم حائز مشروعيت بخشي نظام جمهوری اسلامي است و به ضرس قاطع می‌توان گفت که آرای مردم ریشه شجره طيبه نظام جمهوری اسلامي است. مع‌الوصف «زينتي» دانستن آرای مردم در اداره امور کشور به همان نسبت خطا و خبط آشکار است که صوري و تشریفات ي دانستن تنفيذ حکم ریاست‌جمهوري. اعتقاد به تقابل تنفيذ و رأی مردم، دوقطبي‌سازي ناميموني است که در اندیشه اعوجاجي و باورها ي التقاطي ریشه دوانده و هر از چند گاهي به اقتضاي زمان و زمین وجه کريه‌المنظر خويش را به نمایش می‌گذارد. باور به «زينتي بودن آرا» و ايمان به «صوري بودن حکم تنفيذ» یکی افراط است و آن ديگري تفریط.

در این حالت به استناد کلام جاودانه علي(ع) باید گفت: «لا ترى الجاهل الا مفرطا او مفرطا» بنا به مطالب پیش‌گفته مشروعيت و مقبوليت رییس‌جمهور يك امر اتحادي است نه انضمامي يعني این دو امر متحد يك پدیده به نام رییس‌جمهور را شکل می‌دهند. مضاف بر آن برابر قانون اساسي و مطابق حقوق اساسي جمهوری اسلامي ایران، «تأييد صلاحيت داوطلب ریاست‌جمهوري توسط شوراي نگهبان»، «انتخاب با آرای مردم» و «تنفيذ حکم ریاست‌جمهوري» فرآیندي است که هر کدام در این مراحل مکمل یکدیگرند.